

دوره ششم تقنینیه

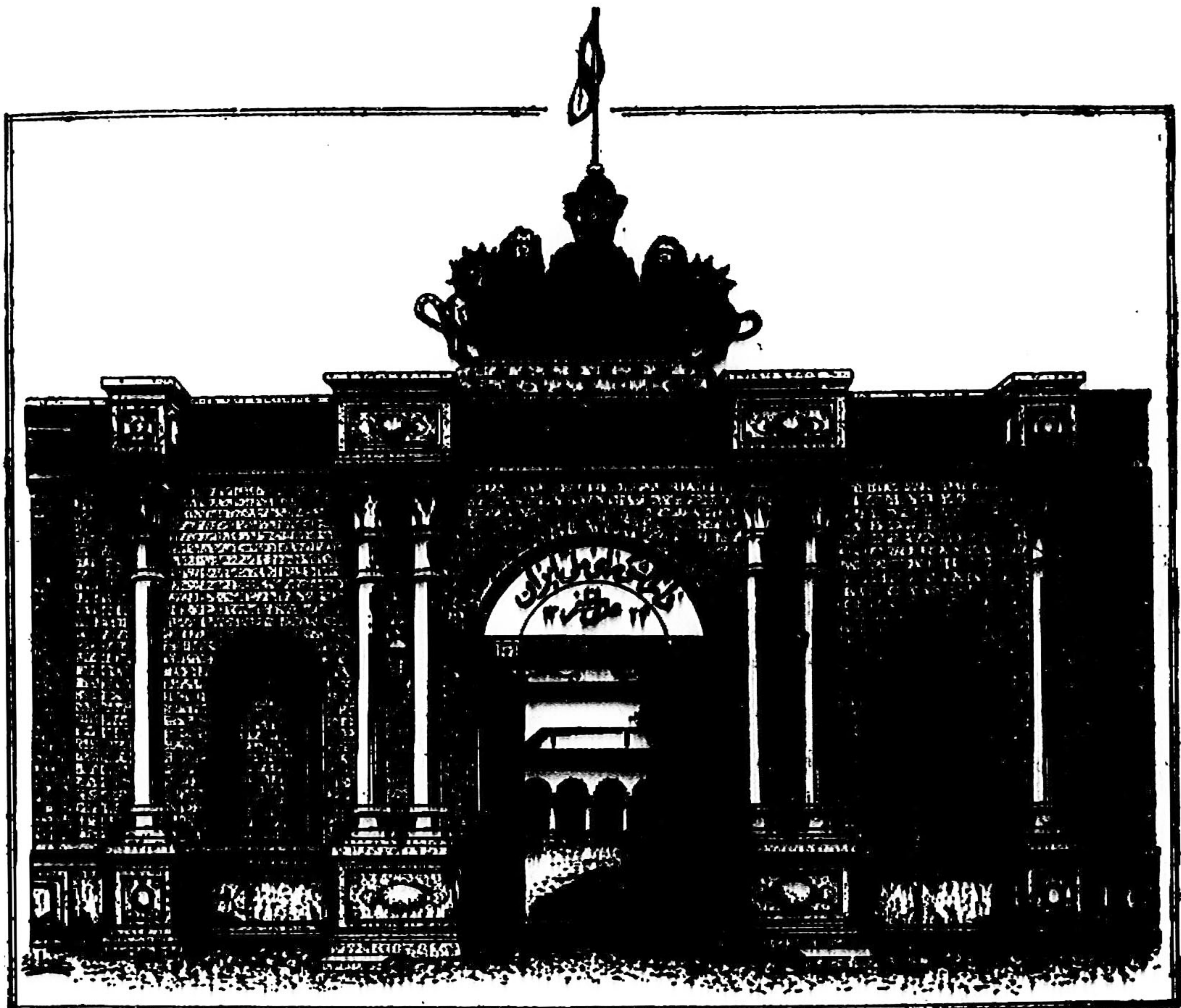
<p>جلسه ۲۶۵</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۲۳۰</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنج شنبه ۲۸ تیر ماه ۱۳۰۷ مطابق اول صفر ۱۳۴۷</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالبانه ده تومان خارجیه « دوازده تومان قیمه تک شماره يك فران</p>



# فهرست مندرجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تصویب مرخصی آقایان امیر حسین خان ابلخان - طباطبائی و کیلی - مولوی	۴۸۲۷	
۲	شور اول نسبت بخر کمیسیون داخله راجع بسجل احوال	۴۸۲۷	۴۸۴۹





# مذاکرات مجلس

## دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنجشنبه ۲۸ فروردین ماه ۱۳۰۷ مطابق اول صفر ۱۳۴۷

### جلسه ۲۶۵

غائبین با اجازه جلسه قبل  
 آقایان: آیه الله زاده خراسانی - دکتر طاهری -  
 نکهبان - ضیاء - میر ممتاز - نجومی - اسعد - مقدم -  
 آقا میرزا هاشم آشتیانی - ثقة الاسلامی - لبقوانی

( مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از  
 ظهر برپاست آقای پیریدا تشکیل گردید )  
 ( صورت مجلس سه شنبه ۲۶ فروردین  
 را آقای دولتشاهی قرائت نمودند )



غائبین بی اجازه جلسه قبل  
 آقایان: اسدی - موقر - ذوالقدر - اعظمی - زارع - میرزا محمد تقی طباطبائی - قوام - مهدوی - کلالی - افسر - آقا زاده سبزواری - غلامحسین میرزا - حاج حسن آقا ملک - اسکندری - فرشی - میرزا حسنخان وثوق - حاج غلامحسین ملک - ابراهیمی  
 دبر آمدگان با اجازه جلسه قبل  
 آقایان: کی استوان - فهیمی - شیروانی - بیات ملک مدنی - فرمند - خواجوی  
 دبر آمده بی اجازه جلسه قبل  
 آقای امام جمعه شیراز  
 رئیس - صورت مجلس ابرازی دارد؟  
 (گفتند خیر)  
 رئیس - تصویب شد. خبر کمیسیون مرخصی است (بشرح ذیل قرائت شد)  
 خبر مرخصی آقای امیر حسین خان نماینده محترم آقای امیر حسین خان ایلخان از اول مرداد تقاضای بیست روز مرخصی بودند چون نماینده معظم الیه از اول دوره تقاضای مرخصی نکرده اند لذا کمیسیون با تقاضای ایشان موافق اینک خبر آنرا تقدیم مینماید  
 رئیس - آقایانیکه این خبر را تصویب میکنند قیام فرمایند.  
 (اکثر قیام نمودند)  
 رئیس - تصویب شد.  
 خبر مرخصی آقای طباطبائی وکیل نماینده محترم آقای طباطبائی وکیل از اول مرداد الی ۲۲ روز تقاضای مرخصی نموده کمیسیون موافق اینک خبر آنرا تقدیم مینماید  
 رئیس - آقایانیکه مرخصی آقای طباطبائی وکیل را تصویب میکنند قیام فرمایند  
 (اکثر رخواستند)  
 رئیس - تصویب شد.  
 خبر مرخصی آقای مواری

نماینده محترم آقای مولوی از دهم تیر ماه دوازده روز اجازه مرخصی کردند کمیسیون با تقاضای ایشان موافق اینک خبر آنرا تقدیم مینماید.  
 رئیس - آقایانیکه این خبر را تصویب می کنند قیام فرمایند.  
 (اغلب نمایندگان قیام نمودند)  
 رئیس - تصویب شد. لایحه سبج احوال از ماده دوم مطرح است  
 (بشرح آنی خوانده شد)  
 ماده ۲ - پس از يك سال فوق کلیه مأموزین مملکتی موظف مینباشند در مواقع صدور کلیه اسناد رسمی (از قبیل حکم انتصاب بخدمات مملکتی و ترفیقا انتخابات و جواز اسلحه و جواز عبور و تذکره) و در موقع مراجعات اشخاص بحاکم عدلیه و ادارات مملکتی (برای دادن و گرفتن امانات پستی و تقاضای ثبت اسناد و املاک و پذیرفته شدن در مدارس و امثال آن ورقه هويت مطالبه نمایند و الا مشمول مجازات مصرحه در فقره ۳ از ماده ۳۸ قانون استخدام کشوری خواهند بود.  
 تبصره - محاکم عدلیه میتوانند در امور فونی ورقه هويت را شرط قبول نظام قرار ندهند ولی پس از ده روز از تاریخ نظام هرگاه شخص مراجعه کننده ورقه هويت تحصیل نکرد از رسیدگی خود داری نمایند  
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب  
 آقا سید یعقوب - اساساً بنده نمیدانم این لایحه يك شوری است یا دو شوری و اگر دو شوری است ماده اول خوانده شد ولی دیگر مذاکره در آن واقع نشد و بنا بود مذاکره شود فقط در کلیات صحبت شد این است که چون بنده اشتباه دارم خواستم از مقام ریاست سؤال کنم که ترتیب این لایحه چیست؟  
 وزیر داخله - بنده یاد آوری میکنم که در ماده اول مدنی مذاکره شد آقایان نظریات خودشان را اظهار کردند.

رئیس - در هفدهم اسفند ماه هم در کلیات صحبت شده و هم در ماده اول. آقای دهستانی  
 دهستانی - عرضی ندارم  
 رئیس - آقای فیروز آبادی  
 فیروز آبادی - بنده چون همیشه طالب تسهیلات برای مردم هستم عرض میکنم که این ماده خیلی تضییقات رسختی برای مردم دارد که باید در همه جا ورقه هويت را همراهش داشته باشد. آخر در سفر است غیر سفر است کم میشود فراموش میشود در سفر همراه ببرد و همینطور در محلهای دیگر. همه جا سبج احوال را حرز جواد خودش بکنند که کم نشود این کار خیلی مشکل است. از آنطرف دولت در امور خیلی جزئی مطالبه سبج احوال میکنند و باید شخص حاضر داشته باشد بدهد اینهم کار مشکلی است مشکلات از همه اینکه آمد در سفر همراهش نبود با این شخص چه خواهند کرد. وقتی میخواهند از سرحد عبور کنند کم شد یا فراموش کرده بود که همراه خودش بیاورد آنوقت با این شخص مسافر در بیابان چه جور رفتار خواهند کرد؟ البته باید این قانون اصلاح شود و يك قانونی در مجلس تصویب شود نه اینکه در تمام امورات شخصی سبج احوال را همراه داشته باشد. آنوقت در غالب جاها اسباب زحمت و اشکال تولید خواهد کرد. گرچه در بعضی جاها نفع هم دارد ولی نفعش را باید مقایسه کرد با ضررش آنوقت ببینید کدام بکیش بیشتر است. این را توضیح بدهند. بنده که گمان میکنم ضررش خیلی زیادتر است احتشامزاده (مخبر کمیسیون داخله) نماینده محترم باید تصدیق فرمایند برای اجرای مقررات باید ترتیبی قائل شد که مردم را بالاخره عادت داد باینکه همیشه رعایت انتظامات را بکنند و سبج احوالشان همراهشان باشد. اگر نماینده محترم فراموشی را بخواهند مداخله ندهند در بعضی از موارد تصدیق فرمایند هر کس بر خلاف نظم و ترتیب عمل کند به عذر اینکه من فراموش کرده ام بکلی امور مملکت مختل مینماید و البته این قضایا برای روزهای اولیه است که مردم را مقید بکنند بداشتن سبج احوال پس از آنکه

سبج احوال کاملاً در مملکت بموقع اجرا گذاشته شد و همه مردم دارای ورقه سبج احوال شدند آنوقت تصدیق فرمائید که مورد مطالبه نخواهد شد ولی فعلاً این يك وسیله ایست برای اینکه مردم مقید و مجبور باشند به گرفتن ورقه سبج احوال و تصدیق مینمایند نماینده محترم که این بهترین ترتیب است برای اجرای قانون و رعایت نظامات.  
 رئیس - آقای حقنویس  
 حقنویس - عرضی ندارم  
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب  
 آقا سید یعقوب - موافقم.  
 بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است  
 بعضی از نمایندگان - بلی کافی است  
 رئیس - ماده سوم قرائت میشود  
 (بشرح ذیل قرائت شد)  
 ماده ۳ هر شخصی باید برای خود اسم مخصوص انتخاب کند زوجه و کلیه اولاد و اطفال ذکور آن شخص و همچنین کلیه اولاد و اطفال اناث او مادام که شوهر اختیار نکرده اند با آن اسم مخصوصی که نام خانوادگی است موسوم خواهند بود بنا براین هر کس دارای اسمی خواهد بود مرکب از نام خانوادگی و نام شخصی مثلاً: (محمود کامران) بفرس اینکه محمود نام شخص و کامران نام خانوادگی باشد (اشخاصی که از يك خانواده هستند میتوانند برای خود اسم واحد انتخاب کنند و بر عکس اولاد يك خانواده که در تحت کفالت ایستند میتوانند اگر بخواهند اسم خانوادگی علیحده برای خود انتخاب نمایند.  
 تبصره - اسمی خانوادگی پس از ثبت در دفتر سبج احوال هر حوزه سبج احوال مخصوص اشخاصی است که بنام آنها ثبت شده است و دیگری حق اختیار آن اسم را در آن حوزه ندارد  
 رئیس - آقای فیروز آبادی  
 فیروز آبادی - در اینجا قائل شده است که برای هر کس يك اسم خانوادگی معین شود و معلوم هم هست



که اسم خانوادگی هر کس را دیگری نمیتواند برای خودش بگیرد در يك شهر صد هزار خانواده است صد هزار اسم خانوادگی را که هر کدام غیر از دیگری باشد از کجا باید پیدا کرد نام اسماء را وقتی حساب بکنیم باز هم صد هزار نخواهد شد والان چند هزار حسین چند هزار حسن و غیره در این شهر داریم. اینجا قدغن شده است که کسی اسم دیگری را غضب نکنند. خوب اینها چندین هزار اسم علیحده از کجا بیاورند پس خوب بود يك ترتیبی معین میکردند که امکان داشت آن وقت در قانون بنویسند اینطور محال است

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم آقا اشکالی نداشته باشند و فقط در اینکه بتوانند لغت پیدا بکنند اشکال دارند امیدوارم اگر اشکالی داشته باشد به آقا یا بد دیگری مراجعه کنند رفع اشکالشان را میفرمائید و از طرف دیگر این صد هزاری که میفرمائید این اسمی برای خانواده است و فرضاً در يك شهر مثلاً طهران چند هزار خانواده باشد در شهرهای دیگری هر کدام چند هزار خانواده ندارد و پیدا کردن چند هزار کلمه يك چیز زیادی نیست و بعلاوه میفرمائید اسم خانوادگی چرا برای اشخاص انتخاب میکنند؟ برای این که تشخیص داده شوند و الا هزار حسین هزار ناهسن است باین جهت اسم خانوادگی انتخاب میکنند که معلوم باشد کدام حسین است و چون سؤال فرمودید برای رفع اشکال توضیح داده شد که جنابعالی هم موافق باشید بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - ماده چهارم

(بشرح آتی فرائد شد)

ماده ۴ - از تاریخ تاسیس شعب سجل احوال در هر محل پدر یا مادر یا قابله در مورد تولد و زوجین در مورد ازدواج و طلاق باید تولد یا ازدواج یا طلاق را در ظرف ده روز از تاریخ وقوع در نقاطی که شعب سجل احوال تاسیس شده باشد کتباً بنظمیه و در نقاطی که بنظمیه تاسیس نشده باشد بکدخدای محل اطلاع بدهند

فاصله حتماً خبر بدهند. شما نگاه کنید باین مملکت ببینید واقعاً اینطور میشود که اگر بعد از چند روز نشد اطلاع بدهد مطابق ماده فلان مجازات بشود ۱۴ يك دهانی در وسط دره کوه مره خدا به او يك اولادی داد. در راه هم هست. میخواهد از این دره برود به آن دره آب چر، علف چر بکند. این موظف است حتماً خبر بدهد؟ این آدم اصلاً این قانون به گوشش نرسیده است تا خودش را مکلف بداند باینکار. تصور کنید کوه هزار مسجد خراسان شما در دره این طرف و آنطرف بروید فقط يك خانواده می بینید این کجا مطلع میشود؟ کی باو میگوید؟ روز نامه خوانده؟ این اصلاً آدم ندیده است زبانهای مختلف لهجه های مختلف دلیل است بر اینکه اینها حشر ندارند، معاشرت ندارند، نازه راهی پیدا شده است آنها شاهراه های شوسه شده بنده با اساس این لایحه چنانکه در کلیاتش هم عرض کردم کاملاً موافقم البته يك مملکتی نباید مجبور الهوبه باشند در خیلی موارد دارای استفاده است. پایه اقتصادات مملکت است احصائیه لازم است ولی يك کاری بکنید که این قانون اجرا بشود ما که با مردم طرف نیستیم این را برای سعادت خود مردم میخواهیم شما بیائید بر عکس مأمورینتان را مکلف کنید و بگوئید در هر محله حتی در شهر بقول یکی از آقایان وکلا که گفتند نمایانم این دوره با دوره گذشته شنیدم با روز نامه خواندم که در جنوب طهران اشخاصی هستند که هنوز نمیدانند مملکت مشروطه شده است.

مدرس - وسطش هم همینطور است

بامداد - در همین جنوب طهران اشخاصی هستند که نفهمیده اند که این سجل احوال چه نتیجه برای آنها دارد و اگر نکنند گرفتار چه مجازاتی میشوند این است اوضاع عمومی یا نقض معارف است یا چیز دیگر نمایانم. بالاخره در مقابل این وضع حاضر و موجود واقع شده ایم و قانون هم میخواهیم بنویسیم برای این وضع حاضر و موجود است شما مأمورین

خودمان را مکلف کنید پست دارید کمیسر دارید آژان دارید، اجرای بلدییه دارید، اینها با هرش زند، موظفند اینها را مکلف کنید به محض اینکه اتفاقی از این قبیل که این ماده شرح میدهد افتاده اطلاع بدهند ثبت کنند خودشان هم بروند بپرسند که محمود یا حسن که متولد شده پدرش کیست مادرش کیست که در آن خانواده اشتباه نشود لا اقل در اول دفعه این کار را قرار بدهد چون هر قانونی در اوائل باید تسهیلاتی داشته باشد بعد هر قدر که پیشرفت کند مجلس است، شما هستید البته مملکت حکومت طرف اعتماد دارد آنوقت لایحه را میآورند اصلاح میکنید ما البته این ماده را تصویب میکنیم، شما هم دانستن میخواهد اجرا کنید اما محیط برای این اجراء حاضر نیست بی سواد و بی اطلاعی و غیره و غیره که خودتان میدانید یکی هم بی علاقه مردم تقانون اصلاحه اعتنا دارد! شما در طهران هستید خودتان بهتر میدانید، با اینکه معاملاتتان انتخاباتان همه مقید شده است بداشتن سجل احوال و اینجا تمدن ایران است آیا تمام افراد سجل احوال دارند؟! بعضی ها اصلاً نمیدانند سجل احوال چه جانوری است این اداره تاسیس شده یا نه بروید توی چاله میدان بپرسید به بینید از صد نفر بنگاه نفرش معنی سجل احوال را فهمیده بنا بر این بنده عقیده ام اینست که تسهیل بکنید که این قانون اجرا بشود برای اجراء قانون و سعادت مملکت مخصوصاً در بدو امر این تسهیلات لازم است. حالا مختارید

وزیر داخله - نماینده محترم باید تصدیق بفرمایند که اگر همیشه ما يك مشکلاتی را مانع وضع قانون قرار بدهیم هیچوقت موفق نخواهیم شد که يك قانونی بگذرانیم البته در هر قانونی و در وضع هر قانونی و در اجرای هر قانونی يك مشکلاتی هست و البته دولت سعی میکند که مشکلات را رفع کند و ترتیبی بکند که قانون اجرا شود در این ماده هم تصور میکنم تسهیلات لازمه نایک اندازه نامین شده است. زیرا در جائی که دسترسی به مؤسسات نظامیه و غیره هست میتواند اطلاع بدهند.



در جائی هم که دسترس کمتر است، بکد خدا یا بیک جاهای دیگر اطلاع میدهند

بامداد - در ظرف ده روز؟

وزیر داخله - ده روز کم است برای اینکه بیک محلی خبر بدهند؟ البته بس است

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافیهست

رئیس - پیشنهاد آقای شیروانی

(بشرح ذیل قرائت شد)

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم به ماده ۳ اضافه شود:

تبصره ۲ هیچکس حق ندارد اسم خانواده دیگری را عنوان تلگرافی خود قرار دهد

رئیس - ماده پنجم

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۵ - در موقع ازدواج یا طلاق شوهر مکلف است ورقه که حاکی از وقوع عقد یا طلاق بوده و معرف زوجین باشد با مضای مجری صیغه رسانیده و برای ضبط در دفتر سجل احوال بنظمیه یا شعبات نظمیّه یا کد خدا تسلیم نماید ادارات و مأمورین مزبور باید پس از تحقیق در صحت مندرجات ورقه عین آن را در اسرع اوقات بدفتر سجل احوال بفرستند

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرضی ندارم

رئیس - آقای حقنویس

حقنویس - عرضی ندارم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بیک مسائلی آقای بامداد فرمودند حقیقه بنده خودم کم کم به شبهه افتادم. در اینجا نوشته است اگر کسی بخواد زنش را عقد کند بعد از آنکه عقد نامه را نوشت و حاضر کرد بعد بر دارد ببرد نظمیّه بنده خودم حاضر شاید اشخاصی هم که در شهرها باشند حاضر باشند ولی همان حرفی است که آقای بامداد گفتند باید دید این ماده در مملکت اجرا میشود و فایده دارد اجرا

حاضر کنند و باید مردم را تربیت کند شما می فرمائید که بالاخره امروز مردم ما این طور هستند پس کی باید تربیت بشوند؟ بالاخره تمام اینها را که در مدرسه یاد نمیگیرند. در عمل باید بیک چیزهایی یاد بگیرند.

در این جا اعتراضی که آقا فرمودند راجع باین قسمت که بیک کسی عقد نامه اش را بر دارد نظمیّه فقط این بیک عیب را جلوگیری میکند که بیک زن چهار پنج نفر عقد بکنند بعد نشود ثابت کرد که این زن کیست. اگر این عیب قضیه است مسئله نیست و الا چه عیبی دارد وقتی بنام کسی عقدی کرد سواد عقد نامه اش را ببرد در نظمیّه؟ اشکال ندارد آقا. بعلاوه عرض کنم قانون بالطبع بتدریج اجرا میشود و آن مقصود شما نامین میشود زیرا امروز که شما این قانون را تصویب میکنید البته برای اداره سجل احوال ممکن نیست که بکمرنبه در تمام جاهای دور دست حتی بین دو دره خراسان شعبه سجل احوال را تاسیس کند و البته از مراکز شروع میکنند و کم کم درست می شود و همه یاد می گیرند و بالاخره بعضی ها هم که یاد نگرفته اند کم کم عمل میکنند و یاد میگیرند.

رئیس - آقای بهبهانی

بهبهانی - بنده تصور میکنم که در این ماده سوء تفاهم شده است و مراد این نباشد چون این نظر برای بنده هم آمد و خواستم استفسار کنم معلوم شد این نظر تقریباً برای همه آمده است و بنظر بنده در این ماده سوء تفاهم شده است. اینکه میگوید ورقه که حاکی از عقد باشد مقصودش سواد قباله نیست (وزیر عدلیه - صحیح است) مقصودش این است قباله که نوشته میشود بیک ورقه هم که حاکی از وقوع اینکار باشد در ضمن نوشته شود که آن ورقه برای سجل احوال فرستاده شود عین قباله پیش زوجه ضبط میشود و آن ورقه هم اصل است سواد نیست چنانکه آقای وزیر عدلیه هم فرمودند آن ورقه حاکی از این است که آن ازدواج واقع شده و معرف زوجین است. بنا بر این بنده هم اجازه خواسته بودم که برای

رفع همین سوء تفاهم بیک سؤالی کرده باشم که این جواب داده شود حالا هم اگر آقایان تصدیق میکنند معنی عبارت همین است اگر صلاح میدانند تصریح کنند

وزیر عدلیه - جوابیکه بنده دادم برای این بود که ایشان گفتند سواد عقد نامه را بفرستند. بنده عرض کردم نم ماذا. بفرستند هم چه خواهد شد؟ ولی اینجا همانطوری که ملاحظه میفرمائید نوشته است ورقه که حاکی از وقوع عقد باشد و این بیک ورقه جداگانه است غیر از عقد نامه. حالاهم ممکن است آقایان بیک پیشنهادی فرمایند که مطلب واضحتر باشد

رئیس - آقای عمادی

عمادی - عرضی ندارم

رئیس - پیشنهاد آقای مدرس

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم بجای ورقه نوشته شود سواد مصدق مدرس - بنده این پیشنهاد خودم را پس میگیرم بجایش نوشته شود ورقه که حاکی از مضمون قباله باشد وزیر داخله - همینطور نوشته شده نوشته ورقه که حاکی از وقوع عقد باشد

رئیس - ماده ششم

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۶ - در مورد فوت اطلاع دادن با ادارات یا مأمورین فوق الذکر باید در ظرف چهل و هشت ساعت بعمل آید، دادن این اطلاع بعده نزدیکترین اقربای حاضر شخص متوفی و در صورت نبودن اقربای مذکور بعده سرپرست ساکنین خانه و در صورت نبودن سرپرست بعده مستخدمین خانه است که فوت در آنجا واقع شده و مأمورین باید پس از تکمیل تحقیقات در اسرع اوقات مراتب را بمأمور سجل احوال اطلاع و اشخاص مذکوره در فوق را مطلع نمایند که برای اجرای ثبت واقعه بدفتر سجل احوال مراجعه کنند طبیب معالج و غسل و قباله در موقع ولادت طفل متوفی یا فوت مادر در موقع حمل نیز ملزم میباشد



در ظرف ۲۴ ساعت واقعه را کتباً بدفتر سجل احوال اطلاع دهند

تبصره ۱ - نسبت فوت اشخاصی که دارای منزل ثابت و اقربای حاضر نیستند یا به تنهایی در يك منزل زندگی میکنند ادارات مأمورین فوق مکلف هستند مراتب را تحقیق و پس از تشخیص صحت واقعه در اسرع اوقات فوت را بمأمور سجل احوال اطلاع دهند

تبصره ۲ - اشخاصی که در مؤسسات عام المنفعه فوت نمایند رؤسای مؤسسات مزبور مکلفند مراتب را در ظرف ۲۴ ساعت به مأمورین نظایه یا کد خدا اطلاع دهند

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده تصور میکنم در این امورات غالباً این بیچاره ها که پدرشان میمیرد حالا دیگر حبس هم باید بروند بجهت اینکه غالباً در این قبیل موارد تکلیف را برای چند طبقه معین کرده اند اول و دوم و سوم و چهارم از يك حیث این خوب است و اسباب توسعه است ولی از حیث دیگر این دسته خیال میکنند دسته چهارم اطلاع داده همینطور تا باخر آنوقت پس فردا دولت میخواهد آنها را حبس کند. کدام را باید حبس کند؟ از اول تا آخر اینها را باید حبس کند. آنوقت هم پدرشان مرده هم باید حبس بشوند بدتر از سجل احوال امروزی خواهد شد. اگر چنانچه مثل سایر قوانین در بونه اجمال نماند

مخبر - نماینده محترم البته بایستی اهمیت اطلاع از فوت را تشخیص بدهند که فوق العاده لازم است هم از حیث تشخیص بعضی امور جزائی که ممکن است يك کسی در اثر يك جنایتی فوت کرده باشد و هم از نقطه نظر تشخیص مازک، پس در اصل موضوع مخالفتی ندارید و باید تصدیق کنید که این امر خیلی لازم است و در این ماده يك اشخاصی را موظف کرده است بترتیب که این کار را بکنند و يك تسهیلاتی هم قائل شده اند که در درجه اول بزرگ عاقله و اگر چنانچه بزرگتر نداشته

به وضعیت این مملکت نگاه کنید. طهران تنها را در نظر نگیرید. تبریز و اصطهبانات تمام يك طبیب دارد که این طبیب دوره میگردد و يك خرجین دارد روی الاغش و از این ده به آن ده میرود و يك کسی که دلش درد میکند يك کل گاو زبان به او میدهد يك نفر دیگر مریض است يك عرق نعنائی به او میدهد و از آن ده میرود مثلاً این طبیب در اصطهبانات يك مریض دارد و معالجه اش کرده است و از اصطهبانات میرود و تاجبای دیگر برسد آن مریض اصطهباناتی مرده است! چطور او خبر بدهد؟ اینکه فرمودید که همه حرفها را نمیشود صریح گفت! خبر آقا درد را باید گفت تا علاج شود هیچ عیبی ندارد اگر بنده این جا بگویم که این مملکت متمردن ترین ممالک دنیا است فایده ندارد و بمن میبخندند خداوند بانهائی مجازات بدهد که نگذاشتند ما ترقی کنیم و جلو را گرفتند حتی نگذاشتند يك کسی از سرحد جلو برود. اینطور با ما معامله کردند. ما اینطور هستیم. چه باید کرد؟ شما اینجا قابله و طبیب و مادر و پدر را مجازات میکنید که چرا اطلاع نداده اند؟ نمیشود بنده باین قانون علاقه مند و معتقدم که مملکت حتماً باید احصائیه داشته باشد ولی این قانون مانع احصائیه است و جلو گیری میکند از احصائیه والله بالله جلو گیری میکند، شما نگاه کنید که غیر از شهر های زرکتاب اطبائش در چه حال است! تمام جاها اطبائشان عبارت از همان عطار های دوره گرد هستند و بقول یکی از اطباء بزرگ میگفت که سابقاً عطار های ما طبیب بودند و حالا طبیب های ما عطار شده اند! آقا عطار های دوره گرد مملکت ما طبیب هستند! اینجا نوشتید قابله آقا قابله کی است؟ کجا است؟ شما يك مریضخایه نسوان دارید در تمام مملکت ایران آن هم در طهران است! هفت هشت ده تا قابله بیرون داده است که يك نابالو هائی گذاشته اند که قابله دیپلمه هستند و سایر قابله ها عبارت از همان پیر زنهای بهودی و غیر بهودی هستند! در يك ده مثلاً هیچ قابله نیست و از يك دهی که چند فرسخی

است میفرستند عقب يك قابله آن قابله می آید و بعد از تمام شدن کارش برای اینکه برود خرمنش را جمع کند فوراً بر میگردد خبر ندارد که دیگر این بچه مرده است! محیط شما این است! این حقایق است نمیشود حقایق را انکار کرد باید گفت و قانون باید مطابق عادات محیط نوشته شود و الا نتیجه ندارد.

مخبر - راجع به وضع قانون نماینده محترم فرمودند که قانون باید ناشی از عادات باشد! این ترتیب فقط در انگلستان معمول است که قانون ناشی از عادات است ولی در سایر ممالک اینطور نیست یعنی بوسیله قانون افرادشان را مقید میکنند به يك ترتیبی و تصدیق فرمایند نماینده محترم که اگر ما بخواهیم رای وضع قوانینمان رعایت عادات را کنیم و همیشه این علاقه را داشته باشیم هیچ وقت نباید قانونی وضع کنیم...

شیروانی - صحیح است برای اینکه عادات ما تحریف است مخبر - و اما راجع به مجازات که فرمودید البته باید اطلاع بدهند و اگر چنانچه اطلاع ندادند باید مجازاتی برای آنها معین شود زیرا که تصدیق میفرمائید که هیچ قانونی در دنیا بدون مجازات و سانسکیون نیست شما وقتی يك اشخاصی را مکلف میکنید که فلان کار را بکنند باید مجازاتی هم برای آن معین کنیم در صورتیکه به آن تکلیف عمل نکردند آن مجازات را در باره آنها قائل شویم که ملزم باشد تکلیف خودش را انجام بدهد راجع به قسمت طبیب فرمودید که در اغلب نقاط طبیب نیست عرض میکنم که در قانون نوشته ایم طبیب معالج یعنی آن طبیبی که معالجه کرده است والا اگر چنانچه در يك دهی يك کسی فوت کرد و يك طبیبی معالج نبوده است و در يك نقطه ده فرسخی يك طبیب باشد البته به آن طبیب نمیگویند که تو مکلف هستی و بیا اطلاع بده ولی البته اگر يك طبیبی يك کسرا معالجه میکند و آن شخص فوت کند باید آن طبیب را ملزم کرد که خبر بدهد. در قسمت قابله فرمودید که قابله نداریم خوب اگر قابله نیست که تکلیفی برایش نیست



این جا نوشته شده است که يك قابله که در موقع وضع حمل حاضر بود مکلف است که اطلاع بدهد که این طفل مرده است یا این مادر در موقع وضع حمل فوت کرده است. در هر صورت بنده تصور میکنم که اگر توجه بفرمائید این اشکالات وارد نیست.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرضی ندارم.

رئیس - آقای آقا سید بعقوب

آقا سید بعقوب - این جا برای خاطر اینکه آقای شیروانی تقویت کردند فرمایش آقای احتشام زاده را خواستم يك چیزی خدمتشان عرض كنم. در واقع دولت تركيب ميشود از دو قوه يك قوه مجریه يك قوه مقننه ما باید مأمورین خودمان را مکلف کنیم چه حق داریم مردم را مکلف کنیم؟ مأموری که موجب خور ما است و وظیفه از ما میگیرد باید مکلف کنیم؟ کسی که از ما موجب نمیگیرد او را نباید مکلف کنیم...

شیروانی - ملك مکلف است از قوانین اطاعت کید آقا سید بعقوب - دولت نمیتواند افراد ملت را به يك تکلیفی مکلف کند چرا؟ برای اینکه قانون را ما وضع میکنم که مأمورین مکلف باشند اجرا کنند مأمور که وظیفه خور است باید مأمور این کار باشد مگر ما مشرع هستیم؟ ما که نمیتوانیم تشریح کنیم که مردم مکلف به اجرا هستند مأمورین باید مکلف باشند که فلان کار را بکنند و فلان کار را نکنند و اگر فلان کاری که گفته شده است بکنند نکرده مجازات بهشان داده شود نه اینکه مردم را ما بیائیم مکلف کنیم که اگر يك کسی در خانوادهشان متولد شد یا فوت شد یا ترتیبی واقع شد بیایند اطلاع بدهند و اگر اطلاع ندادند مجازات شوند ما باید این تکلیف را نسبت به مأمورین خودمان قائل شویم که هم قانون عملی میشود و هم به نتیجه رسیده ایم

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - عرضی ندارم.

روز تا یکماه حبس با تأدیبه جزای نقدی از پنجتومان و يك قران تا پنجاه تومان خواهند شد.

تبصره - مأمورین سچل احوال موظفند برای تعقیب متخلفین از مقررات فوق بمذعی العموم مراجعه نمایند

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرضی ندارم

رئیس - آقای آقا سید بعقوب

آقا سید بعقوب - عرضی ندارم

رئیس - آقای زعیم

زعیم - عرضی ندارم

رئیس - آقای ملک مدنی

ملك مدنی - بنده با این قانون کاملاً موافقم ولی ماده ۷ و ۸ این قانون در کمیسیون بعقیده بنده يك قدری بدون مطالعه تنظیم شده است این ماده هفت بیشتر تماس پیدا میکند با اشخاصی که در دهات هستند زارع و بد بخت و بیچاره هستند که آنها موفق نمیشوند که بعد از آنکه این قانون گذشت و بموقع اجرا گذاشته شد ورقه هويت و سچل احوال برای خودشان بگیرند و پنجتومان جریمه هم برای آنها خیلی مؤثر است و نمیتوانند جرائمی که برای متخلف در نظر گرفته شده است تأدیبه کنند پس باید قانون را طوری نوشت که وسائل اجراء و پیشرفت آن فراهم باشد. اشخاصی که در شهر ها هستند البته بعضی اینکه اداره سچل احوال دائر شدی آیند و ورقه سچل احوال میگیرند و برایشان هیچ اشکالی ندارد ولی در دهات و بیلاقیات که این قانون البته باید بموقع اجرا گذاشته شود مردم را دچار زحمت میکند يك کسی اطلاع پیدا نمیکند و موفق نمیشود که بیاید ورقه سچل احوال بگیرد اگر بخواید حبسش کنید یا پنجتومان ازش بگیرد این البته بر خلاف عدالت است. عقیده بنده این است که باید این ماده طوری در موقع شور دوم در کمیسیون اصلاح شود و بقدری تسهیل کنید که برای این نوع اشخاص تولید اشکال شود

وزیر داخله - برای اطلاع نماینده محترم عرض میکنم که در شهر ها همینطور است که ادارات سچل احوال يك سرکاری دارد و مردم باید بروند آنجا ورقه هويت بگیرند ولی در دهات مأمورین سچل احوال سیارند و گردش میکنند و مأمورین سچل احوال مکلف هستند که دهات گردش کنند و دفاتر سچل احوال را بگذارند و به اهالی ورقه هويت بدهند و هیچ اشکالی نخواهد داشت

رئیس - آقای بامداد

بامداد - عرض کنم که این ماده برای چیست؟ این ماده برای این است که مردم مجبور بشوند سچل احوال بگیرند. فلسفه این ماده این است که ناچار شوم بنده از ترس این ماده پنجتومان و سه روز حبس بروم ورقه سچل احوال بگیرم. عرض میشود ما به این ماده اصلاً محتاج نیستیم برای اینکه در ماده سه یا دو بود که تمام معاملات را موقوف به داشتن ورقه سچل احوال کرده‌اند و هیچکس نیست که به يك نحوی از انحاء با دولت سرکار نداشته باشد یا مالیات میدهد یا عرضحال دارد و یا می خواهد حکمی را اجرا کند یا ثبت اسناد دارد، به نظمی مراجعه میکنند و بطور کلی کسی نیست که به يك نحو از انحاء با دولت سر و کار نداشته باشد و شما شرط کرده‌اید که در تمام این امور باید ورقه هويت داشته باشد جز در يك موارد فوری که عرضحال را قبول میکنند آنها در ظرف ده روز باید ورقه اش را بیاورد پس بنا بر این شما در این ماده يك کاری کرده‌اید که بالاخره بعد از دو سه سال هیچکس نیست که ورقه سچل احوال نداشته باشد و بهترین طرز اجرای يك قانون هم همین است شما هیچ فشار نیارزید و مجازات هم نکنید فقط میگوئید من که دولت هستم با آدم مجهول الهویه طرف معامله نیستم آمده‌ای میگوئی ملکم را ثبت کن حرفت حسابی است ولی تو که هستی من تو را نمیشناسم حسنی؟ حسینی؟ من تو را نمیشناسم سچل احوالت کو که من بدانم آن شخص نوهستی، این کار خیلی خوب است و سبب میشود که



مردم مجبور شوند بزودی سجل احوال بگیرند پس وقتی که شما این کار را کردید دیگر این مجازاتی که معین شده زبانی است و مورد ندارد و این عملی که در ماده دوم شده است مثل آن افسانه‌های ما است که عمل در آتش می‌گذاشتند و آن کسی که به اسمش عمل در آتش گذاشته بودند سراسیمه می‌آمد وقتی که ازش میپرسیدند چرا آمدی میگفت نمیدانم همه جا آتش گرفته بود جز این يك راهی که من آمدم . حالا شما هم همه راه را بسته اید و يك راه فقط باز است و آنهم راه اداره سجل احوال است و پس از سه چهار سال مطابق آن ماده بکنفر نیست که سجل احوال نداشته باشد خدا میداند که همیشه ورقه سجل احوال خواهند داشت چون هیچ کس نیست که طرف معامله با دولت نباشد شما این جا میگوئید که بعد از یکسال باید سجل احوال بگیرند و اگر نگرفتند پنجاه تومان جریمه میشوند یا هفت روز حبس بدهد میدانم شما در این کار حسن نیت دارید و در طهران هم ممکن است اینطور باشد اما يك مأمور بازده تومانی یا هیجده تومانی بیست و پنجاه تومانی که با يك عائله مأمور خوزستان با کردستان میشود یا مردم چه کار خواهد کرد؟ بعد از یکسال هر کس دم نظرش رسید میگوید سجل احوال داری یا نه . آن شخص می گوید سجل احوال چه چیز است ؟ مأمور میگوید آن قانونی که از مجلس گذشت و حالا چون ورقه سجل احوال نداري بیا پنجاه تومان بده یا حبس شو ، بنده عرض میکنم که با ماده دوم مقصود شما حاصل میشود و این ماده اسباب زحمت مردم خواهد شد .

منبر - در شهر طهران چند سال قبل قانون سجل احوال را شروع کردند به اجراء و تمام وسائل را هم انجان کردند برای اینکه سجل احوال گرفته شود ولی چون مجازاتی نشد و هیچکس را برای اینکه متخلف از مواد قانون بوده است مجازات نکردند هنوز شاید عده زیادی در طهران هستند که ورقه سجل احوال نگرفته‌اند یا اینکه طهران مرکز و سر و کار مردم با ادارات دولتی

زیادتر از تمام افراد مملکت است . البته تصدیق میفرمائید که عده زیادی از مردم هستند که با ادارات کاری ندارند نه ملک دارند که برای ثبت اسناد بروند نه دعوی دارند که به عدلیه رجوع کنند و بالاخره اگر شما نظران این است که قانون سجل احوال در تمام مملکت اجرا شود و تمام مردم ملزم شوند به داشتن سجل احوال و دولت احصائیه تمام مردم را در دست داشته باشد هیچ چاره نیست جز اینکه يك مجازاتی قائل شویم برای اشخاصیکه متخلف از قانون هستند . و بدون مجازات امکان ندارد بشود این قانون را اجرا کرد ، آقا میفرمایند بدون مجازات اجرا میشود ، بنده عرض میکنم اگر چنانچه متخلف پیدا نکردیم و همه رفتند و ورقه سجل احوال گرفتند دیگر مجازات نمیشوند و مسئله اجرای مجازات هم نسبت به نگرفتن ورقه سجل احوال این قدرها سهل نیست که يك مأمور فوراً از کسی که سجل احوال نگرفته است مطالبه جریمه کند خیر باید مدعی العموم اداره سجل احوال در محکمه اقامه دعوی کند و محکمه برای اجرای مجازات حکم صادر کند . پس حنا عالی میتواند کاملاً مطمئن باشید که هیچگونه اسباب زحمتی برای کسی تولید نخواهد شد و اینجا هم مثل سایر موارد که برای حفظ نظامات يك مجازاتی قائل شده ایم و این همه تشریفات هم برای این است که اگر کسی تخلف کرد مأمور سجل احوال حق ندارد خودش مجازات کند بلکه باید محکمه رجوع کند و بوسیله محکمه مجازات معین شود .

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی موافقم .

رئیس - آقای حاج شیخ بیات

حاج شیخ بیات - اصولاً بنده با این ماده و ماده هشت مخالف و اساس تغییر قانون سجل احوال هم از نقطه نظر این دوسه ماده اش است و الا قانون سجل احوال سابق قانون خوبی بود و محتاج باصلاح نبود ، اینجا آمده اند و در ماده هفت يك مجازاتهای سختی برای اشخاص قائل شده اند در

حالی که بنده معتقدم که جاو مأمورین را این اندازه باز کردن نسبت به مردم فرق اعاده تولید زحمت خواهد کرد علاوه بر این در ظرف یکسال از تاریخ تصویب این قانون باید عموم ورقه سجل احوال داشته باشند ملاحظه بفرمائید يك مأمور سجل احوال فردا وارد میشود توی يك دهی اگر بیست ساعت از بیست و چهار ساعت گذشته باشد آقا بیست ساعت مطابق قانون گذشته است و توفوت را مثلاً خبر نداده اید یا بیا پنجاه تومان بده یا اینکه مطابق قانون فلاقت در حبس باید بشوی اصلاح قوانین ما غالباً اینطور است ، آقا تمام بدبختی‌هایی که در مملکت ما هست بواسطه نداشتن مأمور صحیح العمل است به این مناسبت هر قانونی را که ما وضع میکنیم بواسطه مجازات نشدن مأمورین و نبودن مأمور صحیح العمل خیال میکنم که قانون يك معافی دارد و باید دو مرتبه يك قانونی بنویسیم این ترتیب اصلاح این قانون نیست اگر آقایان میخواهند در این قانون اصلاحاتی بکنند بهتر این است که مأمورین خودشان را در صورتیکه از وظیفه شان تخلف کردند در نحت مؤاخذه در آورند و الا اگر هر قانونی را به دست این مأمورین بدهید بنده به شما اطمینان میدهم که خوب اجرا نمیشود و همین قانون سجل احوال را هم که اصلاح میکنید اگر مأمورین را مجازات نکنید بنده قول میدهم که سجل احوال در این مملکت توسعه پیدا نکند فقط مایه پول گیری مأمورین خواهد شد و يك عده مأمورین که به ولایات خواهند رفت اسباب زحمت مردم خواهند شد جریمه را میگیرند و يك دفعه هم به مدعی العموم مراجعه نخواهند کرد بنده خودم در سال گذشته در موقعیکه از عراق مراجعت کرده بودم اینجا شرح مبسوطی اگر نظر آقایان باشد خدمت آقایان عرض کردم در همان موقع يك مأمور سجل احوال شش هزار تومان از مردم پول گرفته بود رفت پی کارش نمیدانم کجا پنهانده شد بالاخره شما قانون را اگر برای اصلاح حال ملت مینویسید باید مجازات برای مأمورین قائل شوید بهترین مجازات او

بهترین اصلاح قانون مؤاخذت مأمورین است در مقابل قانون نه اینکه مردم بد نحت هر کجا پادشاهان را نکالت دادند فوراً مجازات شوند که چرا در بیست و چهار ساعت اطلاع نداده ای از این گذشته شما میگویند قابله باید فوراً باید اطلاع دهد و اگر اطلاع نداد مجازات شود . آقا بکنفر قابله که در ظرف سی روز دو مرتبه هر دفعه چهار قران میگیرد و قابلکی میکند بنا باشد حساب بکماهه اش را جریمه بدهد فردا میرود عقب کارش و میگوید من دیگر قابلکی نمیکم . فلان طبیب که در فلان دهه‌های بیست تومان هم گیرش نمی آید بکنفر بنده که تعقیبش کردید و مجازاتش نمودید دیگر عقب طبابت نمیرود . در تمام دنیا قانون را رای تسهیل حال مردم مینویسند . در ژاپون شنیده ام صبح‌ها طبیب مکلف است بیاید در خانه مردم و بگوید امروز مریض داری یا نه سر کسی درد میکند یا نه ؟ وضعیت ممالک متمدنه این است شما دارید تمام تکالیف را در مملکت برای افراد مردم درست میکنید ولی مأمورین هر چه کردند کردند

رئیس - آقای عمادی

عمادی - اینکه فرمودید اسباب زحمت و تعرض ضعفای ملت میشود . البته اذیت کردن ملت غلط است و ما باید آنها را حفظ کنیم و وسائل حفظ و نگاهداری آنها را فراهم کنیم و یکی از بزرگترین وظائف ما پس از وضع قانون همین است و البته این نکته را باید مراعات کرد اما آقای حاج شیخ هم توجه میفرمایند که اگر این نکته نباشد اجرا در اصول قانون موضوعه نخواهد شد این نکته را آقا ملاحظه بکنند که قوانین موضوعه در مرتبه اجرا البته نفوس عادیه از برای اطاعت حکم متصرفند ولو احکام الله هم باشد .

بعضی از نمایندگان - صحیح است . صحیح است عمادی - این طبیعی است جهاد نمیروند حج نمیروند نهی از منکر دنیائی برای چیست ؟ اینجا فقط باید يك



نکته را ملاحظه کرد و آن این است که سوء استعمال نکنند...

بعضی از نمایندگان - صحیح است عمادی - اگر چنانچه دستش نرسد بامامورین بخواهند سوء استفاده کنند البته باید مجازات شوند. بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است رئیس - پیشنهادات خوانده میشود ( بشرح ذیل خوانده شد )

پیشنهاد آقای ملک مدنی ماده هفت را بطریق ذیل اصلاح و پیشنهاد میباید پس از يك سال از اجرای سجل احوال در هر محل کسانی که ورقه هويت نگرفته اند محکوم پرداخت پنجهزارتقد با بکروز حبس خواهند بود پیشنهاد آقای بهبهانی

در ماده هفت پیشنهاد میباید در سطر اول صفحه شش بجای محکوم بحبس الی آخر نوشته شود محکوم به جزای قیدی از يك الی پنجهتومان خواهد شد. پیشنهاد آقای بامداد

پیشنهاد میکنم! چون ماده دو برای مقصود کافی است حذف ماده هفت را پیشنهاد میکنم.

پیشنهاد آقای باستانی بنده پیشنهاد میکنم در آخر تبصره ماده هفتم علاوه شود و در صورت نبودن مدعی العموم مامورین سجل احوال مستقیماً در محاکم صالحه اقامه دعوا خواهند کرد.

رئیس - ماده هشتم ( بشرح آتی خوانده شد )

ماده هشتم - اداره کل احصائیه و سجل احوال مملکتی حق دارد که از تاریخ تصویب این قانون تا دو سال اوراق اظهار نامه و هویتی را که قبل از تصویب این قانون داده شده و آنها را محتاج به تصحیح میدانند تجدید نظر کرده با اطلاع صاحب ورقه هويت تصحیح نماید و همچنین اشخاص ذینفع اگر اعتراضی بر اوراق

کمیسیون به يك ترتیبی آنرا درست کنیم رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - آقایان رفقا اگر نظرشان باشد مدافع جدی این قانون در دوره پنجم بنده بودم و عقیده بنده هم این است که مهم ترین قوانین برای تشکیل نظام يك جامعه امروز در دنیا قانون سجل احوال است و اگر هم بعضی جاهایش يك قدری برای مردم سنگین باشد به عقیده بنده آقای آقا سید یعقوب و سایر آقایان هم که برای مردم دلسوزی میکنند باید با این سنگینی موافقت کنند که تحصیل بشود تا بالاخره جامعه نظام پیدا کند. تمام بدیهائی که در مملکت ما هست بواسطه نبودن نظام اجتماعی است عرض کنم قانون سجل احوال خیلی جاهایش سنگین است آنها آن قسمتی را که حضرت عالی فرمودید راجع به عقد و طلاق و غیره نیست خیلی چیزهای سنگین است و هیچ قسمتش هم مربوط به مامورین نیست مربوط به جامعه است و تمام افراد هم مکلف هستند اطاعت کنند زیرا این از تکالیفی است که برای جامعه همین میشود و باید آن تکالیف هم اجرا شود و مهم ترین آنها ( نظام اجباری ) نظام وظیفه است. يك معایبی هم ولو خیلی مختصر که در قانون گذشته بود در آن هم حرفی نیست ولی به عقیده بنده آن قانون خیلی جامع بود و هیچ لازم نبود بطور کلی عرض شود و يك قانون جدیدی بیاورد به مجلس و ممکن بود آن معایب کوچک را رفع کرد ولی آوردن این قانون برای رفع آن معایب کوچک نیست موضوع آوردن این قانون به مجلس مخصوصاً از نقطه نظر ماده هشت و نه است.

رئیس - آقای فیروز آبادی عرضی ندارم. رئیس - آقای آقا سید یعقوب آقا سید یعقوب - اینجا در این ماده با اینکه در سابق يك ورقه هائی به مردم داده شده و در دست مردم است در واقع يك حقی میدهد به اداره که میتواند تجدید نظر در آنها بکند. عقیده بنده بر خلاف این است و عقیده ام این است که در اوراقی که در سابق داده شده است کان لم یکن باید قرار داد و این قانون از حالا بموقع اجرا گذاشته شود و این ماده بکلی از بین برود و بعد از گذشتن این قانون از حالا شروع کنند و اوراق سجل احوال چون مجانی داده میشود مردم از نو بگیرند و دیگر بر نگردیم عقب آن کاغذ کهنه ها زیاد اگر باز بخواهیم برگردیم عقب آن اوراق سابق اسباب اشکال برای مردم و ادارات میشود. اگر آقای وزیر داخله هم با بنده موافقت کنند که ماده از بین برود و بکلی آن اوراق سابقه را کان لم یکن فرض کنند و از نو بگیرند خیلی بهتر است.

وزیر عدلیه - آقایان در خارج هم با بنده مذاکره کردند. البته اگر بنا باشد يك همچو تصمیمی هم گرفته شود باید نسبت به اشخاصی که بموجب اوراق سجل احوال به سن سر بازي رسیده اند و وارد خدمت شده اند يك فکری کرد و الا نمیشود آن اوراق را بکلی باطل کرد در هر صورت چون شور اول است ممکن است آقایان نظرشان را پیشنهاد فرمایند بعد در

استرابادی - و ماده يك شیروانی - خیر ماده يك هم چیزی نیست. ماده هشت و نه بالاخره يك اجازه مطلق است به مامورین سجل احوال که تمام آن چیز هائی را که مردم خودشان مکلف هستند برای خودشان تشخیص بدهند مامورین تشخیص بدهند. در هر موقع یعنی اگر مامور سجل احوال

به آقای آقا سید یعقوب گفت شما هیچده سالن است ایشان حق ندارند حرفی بزنند مگر اینکه بروند به محکمه ثابت کنند. یا اگر بمن گفت شصت سال داری حق ندارم حرف بزنم. در این قانون اجازه داده شده است که تمام قسمت های سجل احوال از قبیل عقد، طلاق، تولد، مردن، و غیره تمام تصحیحش بامامور سجل احوال است. مامور سجل احوال حق دارد بگوید شما شش تا اولاد دارید هر چه بگوئید من پنج تا اولاد دارم بگوئید شش تا اولاد داری و دوازده تا باید بیایند مستخدم بشوند ر این خیلی خطرناک است. اینچرا راجع به مامورین يك حرفهائی گفته میشود که بنده هم عقیده دارم که مامورین خوب نداریم ولی بکوقت گویا آقای وزیر عدلیه بودند که صحبت اشخاص بود برای تشکیلات عدلیه یا چیزهای دیگر که بنده میگویم باید اشخاص خوب پیدا کرد ایشان میگویند شما سه نفرش را دنبال هم بشمارید که بیاوریم جای این بدها بنده هم حقیقتاً عاجز شدم. اصلاً در مملکت نداریم شما هر قدر قانون را خوب بنویسید وقتی مجریش باشد آن قانون بدمیشود ما که نمیتوانیم فرشته از آسمان بیاوریم از سایر ممالک هم که نمیتوانیم مامور جمع آوری کنیم فقط باید در قوانین لاقول این را رعایت کرد يك روزنه های خیلی وسیعی بدست مامورین ندهیم الان مامورین سجل احوال و سایر مامورین که کارهای سجل احوال را انجام میدهند از دروازه طهران که بیرون میروند خودشانرا بقدری مطلق العنان میدانند که احتیاج نیست دیگر يك ماده برای مطلق العنان کردن آنها وضع کنیم. الان اختیار هر چیز یا مامور سجل احوال است و هر طور دلش بخواهد تعبیر میکند آنوقت يك همچو ماده کس داریم ببخواهید بدستش بدهید شاید آقایان قبل از این عرایض بنده درست دقت نفرموده اند حالا درست دقت بفرمایند که این چه حرفه وسیعی است که مامور سجل احوال هر قسم دلش بخواهد میتواند عمل کند. بنده عقیده ام این است همانطور که خوشبختانه آقای وزیر عدلیه هم موافقت فرمودند باید



بیشتر در این ماده تبادل نظر نمود و يك پیشنهاد جامعهی  
 كه خیلی هم اطرافش مسدود باشد برعکس این ماده  
 پیشنهاد شود که مأمورین نتوانند از آن تجاوز کنند.  
 در اینکه اوراق باید تصحیح شود آرا بنده هم تصدیق  
 میکنم اوراق غلط خیلی صادر شده. بنده اطلاع دارم  
 يك نفر که دو تا اولاد یکی شانزده ساله و یکی شش هفت  
 ساله داشته هر دو را بیست و شش ساله قلععدان کرده و  
 ورقه صادر کرده است، برای خودش و زنش و اولادش  
 همه ورقه بیست و شش ساله صادر کرده است و من به  
 او گفتم قانونی برای اصلاح این ترتیبات میکند شما هم  
 بروید اصلاح کنید. در هر صورت اوراق این طوری  
 در شهر طهران خیلی صادر شده و نباید اختیار این  
 کار بدست مأمور سجل احوال که زیر اشل است و توصیه  
 شده است به وزارت داخله گفته اند با ماهی هیچده  
 تومان مأمور سجل احوال بشود داده شود. شما چطور  
 میتوانید بيك چنین آدمی اختیار بدهید. مخصوصاً که در  
 يك قسمتش تصریح شده است که تشخیص سن با او  
 است. گویا در تبصره ماده نهم است. بنده معتقدم  
 كه باید در اینجا تصریح شود: اولاً مأمورین  
 حق داشته باشند اعلان کنند که اوراق صادره را مردم  
 بیاورند برای تصحیح. و مردم را مکلف کنند که در  
 يك مدت معینی يك سال دو سال شش ماه هر مدتی  
 که مقتضی است مردم اوراقی که در دستشان است بآداره  
 سجل احوال بیاورند برای تصحیح. و در صورت بروز  
 اختلاف از هر طرف طرف دیگر مراجعه بحاکم مربوطه  
 بکند یعنی اگر مأمور سجل احوال مدعی است که این  
 ورقه غلط است از مجرای مدعی العمومی قضیه رانقبیب  
 کند و محکمه صلاحیت دار تشخیص بدهد و ورقه را  
 تصحیح کند و اگر بعد از آن مدت ورقه غیر صحیحی  
 در دست مردم بود دارنده ورقه قابل مجازات است و  
 اینهم يك راه حلی است که در روز بنده در خدمت  
 آقای وزیر باقاي رئیس اداره سجل احوال هم عرض  
 کردم و گفتم که این قانون مخالفی ندارد و خواهد هم

این ماده هم از مجلس موفق نمیشوند آنطور كه نظر  
 دولت است اجرا کنند. اصلاً مأمور سجل احوال از  
 روی چه اصلی تشخیص میدهد فلان شخصی که ورقه  
 سجل احوال گرفته بیست ساله است یا هیچده ساله  
 يك سوابقی که در دست نیست كه مأمورین سجل  
 احوال میتوانند از روی آن سوابق اوراق را تصحیح  
 کنند. بر خلاف آقای شیروانی که میفرمایند اوراق  
 را باید تصحیح کنند بنده عقیده ام این است اگر  
 بخوانند دست به اوراق صادره زنند جز اینکه اسباب  
 زحمت مردم بشوند نتیجه دیگری ندارد. بر فرض اینکه  
 يك عدد اشخاص هم مشمول نظام وظیفه شده اند يك  
 اوراقی صادر کرده اند که حالا معاف میباشند. البته  
 هر قانونی هم در ابتدای اجرائش يك استثناء هائی  
 داشته است حالا ما خیال می کنیم قطعاً هم  
 اینطور بوده است و يك اشخاصی رفته باشند و اوراقی  
 صادر کرده باشند این هم یکی از قوانین است و باید با  
 يك تسهیل و رضائی مردم را آشنا کرد که فرار نکنند و  
 بنده اطلاع دارم الان دو سال است در ملایر قانون نظام  
 وظیفه اجرا شده است خیلی هم اوراق داده اند و بعضی  
 اشخاص هستند مشمول نظام شده اند فرار کرده اند  
 رفته اند اساساً پیدایشان نیست مأمور رفته است نشسته  
 است آنجا پدرش گرفتار است در صورتیکه نمیتواند پسرش  
 را پیدا کند. حقیقتاً باید بطوری کرد که مردم بتوانند زبیر بار بروند  
 البته این وظیفه ملی است ولی طرز اجرا طوری شده است  
 که مردم فراری شده اند و بعقیده بنده اگر این ماده  
 هم بگذرد در حین اجرا دچار اشکال خواهند شد به این  
 جهة بنده عقیده ام این است که این ماده بکلی حذف شود  
 و زبیر عدلیه - بنده خواستم خیلی به اجمال در مقابل  
 اعتراضات آقایان صحبت کنم چون شور اول است و  
 البته اگر آقایان هم پیشنهاد های عملی دارند میدهند و  
 در کمیسیون در اطراف آن بحث میکنیم ولی بنده می بینم  
 مکرر در مکرر در صورتیکه تذکر داده شد که اگر آقایان  
 پیشنهاد هائی دارند بفرمایند يك تذکری هم بدهند که

برود به کمیسیون آقایان بیاناتی بفرمایند و اغلب تکرار  
 میشود بنده هم ناچار شدم بیشتر توضیح بدهم اولاً اینکه  
 میفرمایند اسباب زحمت مردم میشود این قانون مثل  
 سایر قوانین يك تکلیفی برای مردم می آورد و البته تکلیف  
 هم اسباب زحمت است مخصوصاً این قانون چون این قانون  
 میرسد به نظام اجباری یا نظام وظیفه یا نظام عمومی که  
 بالاخره مردم را از تنبلی و لاقیدی و بی قیودی خلاص  
 میکند. البته هر کس خوشتر دارد که در منزل خودش  
 بنشیند تا برود دو سال خدمت کند. چرا باید این را  
 از خودمان پنهان کنیم آنوقت هر کسبش را شروع  
 می داند كه از این وظیفه که همه دنیا و در اینجا هم  
 عقلای قوم تصدیق کرده اند و به عقیده آقایان هم  
 يك وظیفه مقدسی است فرار کنند. و البته اسباب  
 زحمت هم برایش هست آیا میشود گفت عوض دو سال  
 خدمت در سرباز خانه اگر در خانه بنشینند راحت تر  
 نیستند؟ البته راحت ترند. اصل مسئله این است و ما  
 هم اشکالاتی که داریم سر این است و علت این تصحیحی  
 هم که تقاضا کردم سر همین بود. حالا در اینکه وقتی  
 سجل احوال شروع شد مأمورین يك بی مبالائی هائی  
 کردند بنده هم تصدیق میکنم بعد هم مواقع انتخابات سجل  
 احوال زیاد تر گرفته شد و سن ها زود بالا برده شد  
 بعد وقتی که موقع سرباز گیری آمد باصطلاح باد زخم  
 ها خورد و ملتفت شدند که دنباله هم دارد آنوقت چه  
 کار کردند؟ شروع کردند بدادن عرضحال بحاکم و اگر  
 بنا باشد همین طور این روبه را پیش بگیرند این عدلیه  
 که هیچ. پنج برابر این عدلیه را باید قائل شد که  
 بتواند بهمین موضوع تنها رسیدگی کند از یک طرف واقفاً  
 اوراق هست که غلط است یعنی حقیقتاً يك بجه هفت ساله  
 گاهی هم شده است در سجل احوال بیست ساله شده  
 است با اگر هفت ساله نباشد اقل پانزده ساله است  
 و در ورقه سجل احوالش بیست ساله شده است  
 و بالعکس البته يك چنین اوراقی فراوان است و باید هم  
 تصحیح شود اما با این ترتیب که میفرمائید ما تمام



کارهایمان را باید بگذاریم زمین و رسیدگی کنیم باین تصحیحاتی که قانون اجازه داده است بشود. اما اینجا در نظر گرفته شده که وقتی اداره سچل احوال برخورد بیک مشکلائی فکر کند و بک راه حلی پیدا کند و اگر نتوانست آنوقت مراجعه کند بمحاکم که با بکلی اداره سچل احوال مختار باشد و نه اینکه تمام این دعاوی برزد در عدلیه و جلوی کارهای دیگر را بگیرد بنا بر این بک مدتی معین شده نه اینکه بک کسی بگذارد و شش سال بعد که موقع سر بازیش شد آنوقت بیاید و اعتراض کند خیر دو سال قرار گذاشته اند که اگر در ظرف دو سال حرفی دارد بیاید و بگیرد که من بک ابرادی دارم و ورقه سچل احوالش را تصحیح بکنند که بک مرتبه تمام بشود تا با بعضی تصحیحات هست که خیلی واضح است مثلاً وقتی بک آدم پنجاه ساله را فرضاً نوشته اند بک سال دارد خود اداره سچل احوال می نماند که این را باید تصحیح کرد دیگر این ضرورت ارجاع بمحاکم عدلیه را ندارد. حالا او آمد و تکرار می نویسد اگر کسی برای تصحیح اعتراضی دارد برود عدلیه و این بک مرحله مقدماتی دارد اوراق اعتراضیه مخصوصاً از حیث سن یکی و دوتا و ده تا نیست بنا بر این اطلاعی که اداره سچل احوال میدهد اصلاحی نبود در بعضی از نقطه اوراقشان خراب است حالا شما اگر بخواهید تمام آنها را ببرید بعداً و اقامه دعوی کنید میدانید چه میشود و چقدر جلوی کارها را خواهد گرفت؟ لهذا ما گفتیم که این تصمیمات دو جور است بک قسم تصحیحاتی است که وقتی خواستند بکنند طرف قبول می کند که این را خود اداره تصحیح میکنند بک قسم تصحیح هم هست که طرفین اختلاف دارند اداره می خواهد تصحیح بکند طرف میگوید قبول ندارم آنوقت است که باید برود بمحکمه خوب بنده نمیدانم این چه اشکالی دارد؟ این جایی نویسد شخصی که ورقه اش را می خواهند تصحیح کنند اگر اعتراضی دارد در ظرف دو ماه بعد از اخطار باو باید برود بعدلیه و عرضحال

بدهد. ولی بک تصحیحاتی است که ممکن است بکنند بدون اینکه آن شخص هم اعتراضی داشته باشد. این که اشکالی ندارد. می فرمایند زحمت دارد بنده عرض میکنم که این زحمت مردم لابد از جهت قانون نظام است و این زحمت را بهر قیمتی که هست و بهر قوه که هست باید در این مملکت وارد کرد و او اینکه داخل در عادات نیست آقای بامداد...

بامداد - سلحشوری جزو عادات ایرانیان بوده است. وزیر عدلیه - نه نه آقای جان: انشاء نکنید. نظام اجباری نبوده است. ملی نمکنی که در دست خودش باشد و نه تنهایی و در هر موقع بتواند راهنمایی کند آزابنده هم تصدیق دارم. حالا با وجود تمام این مقدمات آقایان اگر بک نظر حلی دارند با اینکه همه هم تصدیق دارند که باید این کار را بک سر و صورتی بهش داد خوبست پیشنهاد بفرمایند و نظراتشان را بدهند برود بکمسیون (که زود تر تشکیل خواهد شد) ما هم حاضر میشویم آقایان هم حاضر میشوند و با شور هم بک چیزی در آنجا تهیه میکنیم والا هی تکرار کردن جز وقت گرفتن نتیجه دیگری ندارد

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است رئیس - پیشنهادات قرائت میشود (این قسم قرائت شد)

پیشنهاد آقای اسفندیاری ماده ۸ را بنده باین ترتیب پیشنهاد میکنم در هر نقطه اداره سچل احوال تجدید نظر را لازم میدانند کلیه اوراق صادره قبل را باطل نمایند و ورقه جدید بدهند ولی اشخاصی که قانون نظام وظیفه شامل حال آنها شده و مشغول انجام وظیفه هستند از این ماده مجزی میشوند پیشنهاد آقای باستانی: بنده تبصره دوم را پیشنهاد و ماده ۸ اضافه می کنم: تبصره - ادارات احصائیه و سچل احوال مکلف

هستند اوراق هویت که صحت آنها مورد تردید است در ظرف یک سال معین نموده در حوزه سچل احوال قبلاً اعلان نمایند و این اقدام شامل اوراق هویت اشخاصی است که سن آنها بین ۱۵ الی ۲۵ سال است پیشنهاد آقای مدرس

ماده ۸ این نوع اصلاح شود: مشمولین نظام مطابق اوراق سابق بحال خود باقی است اداره سچل احوال حق ندارد در اوراق گذشته تجدید نظر کند بقیه اوراق بلا اثر است و پس از تصویب این قانون مطابق قانون جدید اوراق صادر خواهد شد...

مدرس - این از کی بود؟ درلشاهی - پیشنهاد آقا سید یعقوب بود وزیر عدلیه - این پیشنهاد بکمرتبه دیگر قرائت شود (پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب بشرح سابق قرائت شد) پیشنهاد آقای شیروانی - ماده ۸ را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم: ماده ۸ اداره احصائیه و سچل احوال مملکتی حق دارد و همچنین اشخاص ذی نفع از تاریخ تصویب این قانون تا دو سال حق دارند نسبت باوراق اظهار نامه و هویتی که قبل از تصویب این قانون داده شده و محتاج تصحیح می دانند اعتراض و تقاضای تجدید نظر نمایند. هر گاه طرفین اعتراض دارند و اعتراض را وارد میدانند اوراق را با اطلاع معترض تصحیح خواهند نمود. هر بک از طرفین معترض میتوانند تا دو ماه پس از اعتراض طرف دیگر بمحاکم صالحه مراجعه نمایند.

رئیس - ماده نهم (این قسم قرائت شد)

هر گاه اختلافی راجع باسناد سچل احوال ایجاد شود رسیدگی آن در محاکم ابتدائی و در صورت نبودن آن در نزدیک ترین محاکم صالح بعمل می آید و تا موقعی که از طرف محاکم مزبوره اسناد مذکوره بموجب احکام ابطال نشود آن اسناد باعتبار خود باقی خواهند بود و فقط بمحاکم مذکوره می توانند به تصحیح آن اسناد امر صادر کنند در این صورت مأمور سچل احوال رأی محکمه را

در دفتر مخصوص ضبط و در حاشیه دفتر اصلاح شده قید و بر طبق رأی محکمه ورقه جدید صادر می نمایند. تبصره ۱ - احکام محاکم فوق قطعی (غیر قابل استیناف و تمیز) است.

تبصره ۲ اشخاص بالغ شخصاً راجع بسن خورد و ولی خاص یا قیم صغار راجع بسن صغار حق دارند تا بک ماه پس از صدور ورقه هویت اعتراض خود را در باب سن محاکم صالحه اظهار دارند پس از اقباض مدت مزبور راجع بسن اعتراضی پذیرفته نخواهد شد

تبصره ۳ - در محاکم صالحه برای رسیدگی باسناد سچل احوال بجای مدعی العموم مدافعه خواهد کرد رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - در ماده که گذشت و موادی که بقی مانده بنده می بینم که همه اش تشکیل بک محاکمی خواهد شد که از محاکم حلال هم زیاده خواهد شد. مردم از امور مالیشان صرف نظر میکنند و بعداً میروند ولی راجع به نظام چون تقدماً نمیدانم رای چیست که برخلاف طبایع مردم است و اسباب اشکال و زحمت همه جور فراهم خواهد شد. در بعضی جاها آمدند و خوب حاضر شدند و میروند بعداً محاکمه کنند دیگر این جا چرا حکم استیناف و تمیز را برداشته اند؟ این بر ضرر آنها تمام خواهد شد. حالا که بناشاف بر این شده است که محاکم زیاد خوب است استیناف و تمیز را هم در این ماده بگذارید که اگر چنانچه در ابتدائی محکوم شده اند در استیناف و تمیز نگذارند.

وزیر عدلیه - بنده نمیدانم این جا کجا تشکیلات عدلیه را زیاد کرده اند که آقا از نقطه نظر خرج مضطرب شده اند و اشکال می کنند. بنده در ماده ۸ هم عرض کردم که تشکیلات ما کافی نیست برای این کار...

فیروز آبادی - خواهد شد وزیر عدلیه - البته آن دقیقه که بنده پول و آدم کافی پیدا کنم سعی خواهم کرد که تشکیلات را چندین



برابر حالیه بکنم ولی بدبختانه حالا موقعش نرسیده است البته برای اینکار و برای سایر کارهای مردم باید محکمه زد بک شان باشد که بتوانند کارهای شان را انجام بدهند ولی از برای این کار گفتیم که بدو در اداره سچل احوال رسیدگی بشود ( این مرحله اولیش ) بعداگر طرف راضی نشد مراجعه میشود بمحکمه ابتدائی و الا اگر اینطور نباشد این کار تمام شدنی نخواهد بود .

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - عرض کنم که در این ماده شاهد بر سر تبصره دوم است که می نویسد : اشخاص بالغ شخصاً نسبت بسن خود و ولی خاص باقیم صغار راجع بسن صغار حق دارند تا بیکماه پس از صدور ورقه هویت اعتراض خود را بدهند و پس از انقضای مدت مزبور راجع بسن اعتراضی پذیرفته نخواهد شد ( عرض کنم که اولاً این تبصره راجع باوراق صادره گذشته است یا برای آتی هم هست ؟ .

وزیر عدلیه - برای آتی است

شیروانی - پس در این جا مثل تبصره سوم آقای مخبر بادشان رفته است با قلمشان پارائی نکرده است که مدعی و تعرض هر دو را یکی قرار داده اند در تبصره سوم نوشته شده است نماینده سچل احوال عمل و وظیفه مدعی العموم را انجام میدهد که هم خودش معترض است و هم مدعی و هم نماینده مدعی العموم که باید حفظ حقوق طرفین را بکنند در این جا هم شاید باز نحواسته اند بنویسند که تعیین اختیار سن یا مباشر سچل احوال خواهد بود یا بدبگری ؟ ولی از این تبصره اینطور استنتاج میشود که تعیین سن باریس و یا مباشر سچل احوال است . و اگر بنده متعرض باشم تا يك ماه فرصت داده اند که اعتراض کنم و بعد هم بپرود بمحاکم قانونی و خلاصه اینکه بنده نماینده بک محکمه صلاحیت دار چه جور می تواند حکم بدهد راجع بیک دعوائی که بین مردم و مأمور سچل احوال ایجاد شده است چطور آن محکمه تشخیص سن میدهد ؟ بالاخره دندانش را می بیند و میگوید ۲۵ ساله است ؟ یا مأمور سچل احوال میگوید که ۲۱ سال دارد ؟ محکمه آخر از روی چه مدرک وسندی

بایستی مأمور سچل احوال حرف اظهار کننده را قبول کند و بعد اگر بنا باشد مأمور اعتراض بکند برود در محاکم صالحه همین مطلب بود دیگر حرفشان ؟ حالا خوب است اجازه بدهید و توجه بفرمائید بعرض بنده بنده اول هم عرض کردم پیشنهاد کنید اگر بک را محلی پیدا کردید که بهتر بود بنده قبول میکنم می گوئید که آن شخص خودش نمیداند چون سن خودش را نمیداند بن دلیل اظهار او را باید مدرک قرار داد عرض کردم اگر بک فورمولی بهتر از اینکه در ماده نوشته شده است و بنظر نمان اجرایش سهل تر میباشد پیشنهاد کنید تا بآن عمل کنیم .

رئیس - آقای باسائی

باسائی - این جا بنظر بنده بین ماده و ماده هشت بک تناقضی وجود دارد و کبسیون داخله هم به تناقض اینها توجه نکرده اند . در ماده هشت نوشته است که اختیار تجدید نظر بامأمورین سچل احوال است یعنی آنها تجدید نظر می کنند در اوراق هویتی که تردید دارند و اگر کسی شاکی بود برود بمحاکم عدلیه - ولی در این ماده حق و اختیار تجدید نظر فقط داده شده است بمحاکم صالحه یعنی غیر از محاکم صالحه کسی حق ندارد تجدید نظر بکنند در صورتیکه در ماده پیش این حق داده شده است بمأمورین سچل احوال و بنده خیال میکنم که باید تناقض این دو ماده را بهتر زنیی که هست در شورائی مرتفع کنند چون بطور کلی در ماده هشت نوشته است که در صورت اختلاف یعنی وقتی که مأمورین سچل احوال میگویند ورقه محمل ابراد است حق تجدید نظر را دارند ولی در ماده بعد بر عکس است اگر کسی شکایتی داشت ابتداء در خود اداره سچل احوال رسیدگی میشود و بعد برای تجدید نظر میتواند بمحکمه مراجعه کند که تجدید نظر نمایند . این قسمت صریحاً در ماده ۹ نوشته شده است که اوراق باعتبار خودش باقی هست مأمور سچل احوال حق تصحیح ندارد و فقط محاکم صالح یا ابتدائی میتوانند به تصحیح آن اسناد امر صادر کنند . موردی که بیشتر باید طرف توجه

آقایان محترم باشد ( مخصوصاً آقای وزیر داخله و وزیر عدلیه ) این است که شما آنها را هیکه برای مردم گذاشتید که اگر شکایت داشته باشند بروند بمحاکم عدلیه آن چیزی هم که بیشتر مورد دقت است چنانچه آقای شیروانی و وزیر عدلیه هم تذکر دادند راجع بسن اشخاص که برای فرار از نظام اجباری نشبئات میکنند ولی در محاکم عرفیه بموجب قانونی که اخیراً ما گذرانده ایم شهادت شهود مطلب درست نمیشود - خوب بفرمائید چه راهی برای اشخاص هست جهت تعیین سن شان ؟ ما صریحاً نوشتیم که محاکم عدلیه حق ندارند صرفاً بموجب شهادت شهود رأی بدهند از طرف دیگر در این مورد بکنند استناد بشود شهادت شهود اگر این طور است در این مورد بالاخره بک کسی که می خواهند در سن او تجدید نظر نمایند اگر بک اعتراضی داشته باشد ناچار است که يك شهودی اقامه بکند ولی بموجب قانون محکمه در این مورد صریحاً رأی بدهد بنا براین ارجاع بمحکمه فائده ندارد و این عرض حالها بی موقع خواهد بود . بنده عقیده ام این است حالا که خود آقایان هم متوجه شده اند در کبسیون بک تجدید نظری در این قسمت بکنند و اصلاحاتی بکنند . چون بنده عضو کبسیون نیستم و میخواهم در دفعه نانی هم این حرف تکرار نشود این است که بعنوان تذکر عرض کردم . خوب است در این مورد بک هیئتی را مأمور تصحیح این اوراق بکنند لا اقل آن دلیلی هم که ایشان فرمودند که محاکم عدلیه کارشان زیاد و مزاکم است و اگر بخوانند بنام اوراق رسیدگی کنند عملی نیست و نمی توانند بنا براین بعقیده بنده بهتر این است که بک هیئتی مرکب از مأمورین و معتمدین محل در هر ولایت تشکیل دهد و باوراتی که مورد تجدید نظر قرار میگیرند و یا اعتراضاتی راجع بسن . و شاهد غیره میشود مراجعه نموده و حکم بدهند این بعقیده بنده هم عملی تر است و هم موجب رفاهیت مردم است و آن نتیجه هم که منظور است از اصلاح قانون بشود بعمل خواهد آمد

رئیس - آقای عمادی



عمادی - عرض میشود البته آقا نظریاتی که دارند برای تسهیل و آسایش عموم ملت است لکن آن قسمت اخیری که فرمودند که در هیئت محلی رسیدگی شود عرض میکنم باینکه آقا جان اینها امتحانات خودشان را داده اند و گمان میکنم خود حضرت عالی هم این را انصاف بدهید اما در اصل مطلب البته کسی منکر نیست که بلك تنظیمات و وسائلی باید باشد که مستلزم آسایش ملت باشد ولی عجله چیزی که هست چون مطلب قدری نظری است خوب است باساس آن که فعلا مطرح است رای داده شود آنوقت موضوع برود بکمسیون و در کمسیون اگر آقا نظریاتی دارند میفرمایند و در آنجا اگر حل نشد باز دو مرتبه مراجعه میشود بمجلس و صحبت میشود. اما در موضوع اختلاف من عرض کنم که سن را سه قسم میتوان بدست آورد

یکی که بطریق واقع است که مدارك و اسناد صحیحی موجود است و تشخیص داده میشود بلك قسم هم آثار و اطلاع عده از مظالمین محل و قدیمی ها و پیر مرد ها و غیره است. بلك قسم دیگرش هم ممکن است حال عادی باشد که عادت حکم میکنند این شخص چقدر سنش است و بلك نصاب معینی برای او قرار میدهند و اینها را هم ممکن است در بلك تبصره قید کنند.

وزیر عدلیه - عرض کنم تناقضی که آقای باسائی فرمودند بین این دو ماده است نیست. این دو ماده دو قسمت است. ماده هشت راجع باوراقی است که تا امروز داده شده. ماده نهم راجع باوراقی است که بعد از این قانون داده میشود ظاهراً آن کسی که ۱۵ سال بیالا دارد معین است باید مطابق ماده اول برود تقاضای ورقه بکند آنوقت اگر بلك اختلافی بعد حاصل شد مطابق ماده نهم مراجعه میکند بمحاکم بآن ترتیبی که معین شده ولی ماده هشتم راجع باوراقی است که تا کنون بدست اشخاص داده شده است پس این دو ماده دو مطلب را میگوید و تناقضی هم ندارد. مخصوصاً در تبصره این ماده میگوید ( اشخاص بالغ شخصاً راجع بسن خود و ولی خاص یا

قیم صفار راجع بسن صفار حقی دارند تا بلك ماه پس از صدور ورقه هوبت اعراض خود را در باب سن محاکم صالحه اظهار دارند این حق داده شده است بآنها که بروند و اعتراض کنند. حالا برای چه این قسمت نوشته شده است؟ برای این است که بعد از این اداره سجل احوال معتقد است که تقدر کافی خودش وقت می کند و بلك اوراق صحیحی مردم میدهد با این حال اگر کسی اعتراضی دارد تا بلك ماه می تواند بمحکمه اعتراض کند و ماده هشتم راجع باوراقی فعلی است که آنها را محتاج تصحیح بدانند تجدید نظر کنند پس این تناقضی ندارد و این دو ماده دو موضوع جداگانه است

رئیس - پیشنهاد آقای شیروانی ...  
 جمعی از نمایندگان - تنفس  
 رفیع - چیزی دیگر از این قانون مانده است تمام می کنیم بعد جلسه را ختم میکنیم  
 ( پیشنهاد آقای شیروانی این قسم قرائت شد )  
 پیشنهاد میشود تبصره دو حذف شود  
 پیشنهاد دیگر آقای شیروانی  
 پیشنهاد میشود در تبصره ۳ جمله بجای مدعی العموم حذف شود  
 عده از نمایندگان - تنفس  
 رئیس - چند دقیقه تنفس داده میشود.  
 ( در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله نیمساعت مجدداً تشکیل شد )

رئیس - آقای فیروز آبادی ختم جلسه را پیشنهاد کرده اند ولی عده برای رای گرفتن کافی نیست  
 باسائی - پس بقیه مواد قرائت شود  
 رئیس - ماده دهم قرائت میشود.  
 ( این قسم قرائت شد )

ماده ۱۰ - اوراق هوبت مجانی و از ادای قیمت نبر معاف خواهد بود ولی بهر سواد مصدق یا تصدیقی که در دفاتر سجل احوال باشخاص ذی نفهم ممکن است داده شود بلك قران نبر الصاق میشود

سر شماری بکند که در هر ده و قریه بدانند چقدر سکنه هست - مرد چقدر زن چقدر بچه چقدر این دیگر قانون مخصوص نمیخواهد معذالك در این قانون ذکر شود البته ترتیبات اجرای آن در نظامنامه معین خواهد شد  
 رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم که این ماده را بنده تعجب میکنم چرا در اینجا ذکر کرده اند چون این ماده اصلاً زائد است. سر شماری اصلاً جزو امور اداره احصائیه است و کار آن اداره است و اصلاً خود دفاتری که سجل احوال دارد حاکی از عده نفوس و ضابطات و متولدات و متوفیات هست دیگر این ماده هیچ مانعی ندارد و زائد است اگر توضیحات اقناع کننده دارند بدهند تا بنده رفع اشکال بشود

وزیر عدلیه - تصور میکنم در اساس امر آقا مخالفی ندارند که سر شماری باید بشود ولی سجل احوال به تنهایی در ابتدای امر تا چند سال دیگر این امر را تأمین نمی کنند زیرا ممکن است اشخاصی بیابند سجل احوال بگیرند و اداره سجل احوال هم می خواهد عده ساکنین تمام مملکت را بدانند بنا بر این ممکن است سجل احوال این مقصود را تأمین نکند. حالا اگر آقا نظری دارند ممکن است روی کاغذ بیاورند و پیشنهاد کنند تا بکمسیون مراجعه شود  
 رئیس - ماده سیزدهم قرائت میشود.

( این قسم قرائت شد )  
 ماده ۱۳ - قانون سجل احوال مصوب ۱۴ خرداد ۱۳۰۴ که مشتمل بر ۳۵ ماده است نسخ و این قانون که مشتمل بر ۱۷ ماده می باشد از تاریخ تصویب بوسیله وزارت داخله بموقع اجرا گذارده خواهد شد  
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده باز مسبق بعاتد هشتم خوب است این ماده را دو قسمت کنیم که قسمت اجرای قانون جدا گانه باشد و قانون چهارده ماده باشد  
 رئیس - ماده الحاقیه هم هست.

ماده الحاقیه پیشنهادی آقای مدرس :

رئیس - مخالفی ندارد

گفته شد - خیر

رئیس - ماده یازدهم ...

وزیر عدلیه - اجازه میفرمائید بنده از طرف دولت ماده ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ را پس میگیریم زیرا در قانون مجازات عمومی هست و ضرورتی ندارد که در اینجا هم ذکر شود.

رئیس - بنا بر این ماده یازدهم ماده یازدهم خواهد شد.

( ماده یازدهم بعنوان ماده یازدهم بشرح ذیل قرائت شد )  
 ماده ۱۱ - سجل احوال اشخاص در دفاتری که نظامنامه آن بتصوب هیئت وزراء میرسد ثبت خواهد کردید.

رئیس - مخالفی ندارد ؟

( گفته شد خیر )

رئیس ماده دوازدهم :

( بشرح آتی قرائت شد )

ماده ۱۲ - اداره کل احصائیه و سجل احوال مملکتی علاوه بر وظایف مقرر مأمور سر شماری کلیه نفوس مملکت خواهد بود که هر ده سال یکمرتبه باید در تمام مملکت سر شماری بعمل آمده عموم اشخاصی که در ایران ساکن می باشند باید اطلاعات لازمه را در موقع تقاضا مأمورین سر شماری بدهند.

رئیس آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - این جا نوشته است که اداره احصائیه و سجل احوال مأمور سر شماری در مملکت بکنند ولی به چه ترتیب معلوم نیست که چه قسم است باید این را توضیح بدهند و الا در اساس بنده مخالفی ندارم.

وزیر داخله - این قسمت در نظامنامه معین می شود.

وزیر عدلیه - عرض کنم که این بلك مسئله است که اگر در این قانون هم نبود مانعی نداشت که دولت



(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده الحاقیه پیشنهاد آقای شریعت زاده :  
 وظیفه مأمورین سبج احوال را در ممالک خارجی  
 قسولها یا مأمورین دیگری که صلاحیت آنان را دولت  
 تشخیص دهد انجام خواهند نمود  
 رئیس - اخذ رأی بشور تانی میباشد برای جلسه بعد  
 بعضی از نمایندگان - صحیح است

کلیه ادارات و دوائر و مأمورین سبج احوال در  
 تمام مملکت باید از متقاعدین وزارت داخله محل و با  
 نبودن متقاعدین در آن حوزه و با قبول نکردن منتظرین  
 خدمت وزارت داخله که دارای رتبه چهار بیابا باشند  
 تشکیل خواهد شد

(مجلس يك ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)